

بازجویی

شلیک شابابا

امید آرمین

به دنبال نزاع قبیله‌ای در یکی از روستاهای اطراف کن، مردی با اصابت ضرباتی مر موزیک گلوله به قتل رسید. پلیس جنایی تهران در نخستین اقدام شرکت کنندگان در این درگیری را بازداشت کرد و تحت بازجویی قرار داد. همه روستاییان در اعترافات مشابهی مردی معروف به «شابابا» را عامل این تیراندازی دانستند و ادعا کردند مقتول با اصابت گلوله این مرد به قتل رسیده است. با این تصور، همه کار را تا دستگیری «شابابا» تمام شده دانستند و این مرد نیز پس از دستگیری اعتراف کرد گلوله را او شلیک کرده است.

اما نظریه پزشکی قانونی چیز دیگری بود، متخصصان اعلام کردند اصابت شیئی سنگین به سر مرد روستایی علت اصلی مرگ است.

تحقیقات باز هم شروع شد و شرکت کنندگان در درگیری به پای میز بازجویی کشیده شدند. یکی از آنان که در روزهای ابتدایی وقوع جنایت با قرار از دست پلیس خود را پنهان کرده بود با خیالی آسوده از این که «شابابا» با گلوله دست به قتل زده است در برابر پلیس بازجوحاضر شد. افسربازجو، می دانست چه سوالاتی بکند.

از روز حادثه بگو؟

من در روستا بودم که سر و صدایی شنیدم، وقتی به محل درگیری رسیدم «شابابا» با تفنگ شکاری اش به سمت مقتول نشانه رفته بود.

بعد چی شد؟

هیچی، او شلیک کرد و مقتول افتاد روی زمین.

توجه کار کردی؟

ابتدا فقط تماشاچی بودم اما وقتی دیدم چند نفر از فامیل های مقتول به هواخواهی آمدند رفتم توی دعواو با آن ها گلاویز شدم.

چرا فراری بودی؟

می ترسیدم پلیس دستگیرم کنه و بفرسته جایی که باید آب خنک بخورم.

تو که مقصر نبودی؟

نمی دانم، چرا دلشوره داشتم. حتی این بار که شما خواستید بیام پیشتون دلشوره داشتم اما چون می دانستم مقصر اصلی همان «شابابا» است خیالم راحت بود.

از کجا می دانی «شابابا» عامل قتل است؟

چون او فقط تفنگ داشت و هیچ کس دیگری گلوله ای شلیک نکرد.

توجه کار کردی؟

فقط یک ضربه زدم اونم با چوب.

کجای مقتول زدی؟

توی سرش زدم، حتی به ضربه هم جای دیگه اش نزدم.

شخص دیگری به سر مقتول ضربه زد؟

نه، فقط من بودم که یک ضربه زدم.

روز بعد، با آزادی «شابابا» آن هم با سپردن وثیقه به دادگاه پسر جوانی که تصور نمی کرد به این راحتی به قتل اعتراف کرده باشد عامل جنایت شناخته و با دستور مرحوم قاضی اسماعیلی از دادسرای امورجنایی روانه زندان شد.

گردانندگان باند سرقت یک دختر و ۲ پسر بودند

عاقبت شوم فرار دختر ترسواز خانه



خانواده ام مخالف درس خواندن و رفتن من به دانشگاه بودند. چرا؟ چون در دانشگاه با پسر ها همکلاس می شدم و برادر انم به خاطر تعصب بیش از حد مانع ادامه تحصیل من شدند. شنیدم از خانه فرار کردی؟ بله، همیشه زیر ذره بین بودم و حتی با دوستان و همکلاسی هایم نمی توانستم بیرون بروم. چطور؟

دوران تحصیل هر روز صبح یکی از برادر انم مرا تا مدرسه می رساند و بعد از تعطیلی مدرسه نیز یکی دیگر از برادر انم مرا تا خانه همراهی می کرد که این اتفاق باعث شده بود در مدرسه همه مرا مسخره کنند و وقتی در خانه به این رفتار اعتراض می کردم با من برخورد می کردند و پدرم که تحت سلطه برادر انم بود مرا تنبیه می کرد.

بعد از دوران مدرسه چه کار می کردی؟

خیلی دوست داشتم ادامه تحصیل بدهم اما خانواده ام مخالف بودند و بعد از آن تصمیم داشتم به کلاس زبان بروم اما برادر انم مانع شدند و تنها تفریح من این بود که در خانه کنار مادر م آشپزی کنم و چشمم به در باشد یک نفر به خواستگاری ام بیاید و مرا از این زندان نجات دهد. هیچ گاه تصمیم گیرنده برای زندگی خود نبودم و برادر و پدرم تصمیم گیرنده بودند.

گفت و گو با فریبا

فریبا ۲۴ ساله که به دلیل تعصب های زیاد برادر انش و محدودیت های خانواده اش از خانه فرار کرده بود و حالا مسیر زندگی اش تغییر کرده است و به عنوان یک دزد به زندان محکوم شده با خنده ای تلخ که روی صورتش نمایان است می گوید زندان برای من بهتر از جهنم خانه است. تحصیلات؟ دیپلم، شاگرد اول بودم. چرا ادامه تحصیل ندادی؟

چند روز در خانه چن تن از دوستانم بودم و در

دریافت چند روز قبل دو پسر جوان سوار بر پراید مجید به یک جایگاه سوخت گیری رفته و بنزین زده اند. دو جوان به نام های محمد و ایمان ردیابی بازداشت شدند. آن ها ادا کردند از سر نوشت مجید هیچ اطلاعی ندارند اما وقتی در بن بست اطلاعاتی گرفتار شدند به قتل مجید و سرقت پراید وی با انگیزه اختلاف حساب مالی اعتراف کردند. ایمان یکی از متهمان نیز معاونت در قتل را بر عهده گرفت اما تحقیقات پلیس مشخص کرد ایمان پسر شروری است که سال ها قبل نیز دست به جنایتی خاموش زده و یکی از دوستانش را با ضربه های چاقو کشته است. با افشای این ماجرا پرونده قتلی که ایمان

سریالی در شب های خلوت را به عهده گرفتند. میلاد گفت: هر چه می دزدیدیم در بازار سیاه می فروختیم و پولش بین ما تقسیم می شد و بخشی را به طور مشترک هزینه اجاره خانه می کردیم. محمد نیز گفت: اگر در داخل خودرو پول پیدا می کردیم بیشتر خوشحال می شدیم چون کم در سر بود.

دزدی های مشابه

تابستان ۹۶ بود که ماموران پلیس تهران از سرقت های سریالی لوازم داخل خودرو اطلاع یافتند و خیلی زود تیمی از ماموران برای دستگیری این دزدان شب رو وارد عمل شدند. تیم پلیسی در تحقیقات ابتدایی پای در محل های سرقت گذاشت و در بررسی های میدانی دریافت دزدان در ساعات پایانی شب با حضور در خیابان های خلوت به سراغ خودروهایی که هیچ سیستم امنیتی و دزدگیر نداشته اند می روند و با تخریب قفل یا خم کردن در ها اقدام به سرقت لوازم داخل خودروها می کنند.

رد پای یک زن

دور بین های مدار بسته در محل های سرقت مورد بازبینی قرار گرفت اما تنها یک تصویر تاریک از دزدان به دست آمد که نشان از آن داشت یک یک زن در این باند فعالیت دارد اما به دلیل کیفیت پایین دوربین ها، تصویر این زن قابل شناسایی نبود.

بازداشت

در حالی که ماموران ردی از دزدان در دست نداشتند با توجه به شناسایی محل هایی که دزدان دست به سرقت می زدند به صورت نامحسوس و ویژه شروع به گشت زنی در ساعات پایانی شب کردند تا این که آن ها به یک خودرو که دو پسر و یک دختر جوان سوار بر آن بودند مشکوک شدند. تیم پلیسی به صورت نامحسوس پراید سفید را تحت نظر قرار دادند تا این که خودروی مردان مر موز وارد یک کوچه تاریک و در کنار یک خودروی پژو متوقف شد. پسر و دختر جوان از خودرو پیاده شدند و دختر جوان به سراغ صندوق عقب خودرو رفت و پسر جوان در یک لحظه اقدام به خم کردن در سمت

راننده پژو کرد و همزمان با باز کردن قفل در، صحنه سرقت دزدان رقم خورد و پسر و دختر جوان در یک لحظه لوازم داخل خودرو را سرقت کردند و به سرعت سوار بر خودرویشان شدند که در این لحظه پلیس دستور ایست را صادر کرد. تعقیب و گریز پلیسی آغاز شد و راننده پراید سعی داشت با حرکات مارپیچ و سرعت زیاد از صحنه سرقت فرار کند اما پلیس سایه به سایه آن ها را دنبال می کرد تا اینکه خودروی دزدان را در یک کوچه بن بست متوقف کرد و دو پسر و یک دختر جوان در این عملیات دستگیر شدند.

اعتراف

دو پسر ۲۲ و ۲۵ ساله به نام های محمد و میلاد که باور نداشتند دستگیر شده اند ابتدا سکوت کردند و دختر مر موز نیز با گریه ادعا کرد بی گناه است. این سه عضو باند وقتی دیدند رازشان فاش شده و فیلم سرقت ها نیز در اختیار پلیس است چاره ای جز اعتراف ندیدند و سرقت های

آخرین مرحله قضایی در دادگاه کیفری تهران پیگیری شد

جنایت در دل جنایت

رفتند و از ناپدید شدن پسر ۲۵ ساله شان به نام مجید خبر دادند. مرد سالخورده گفت: پسرمان مدتی یکی از پرونده هایش روند دومین قتل را بعد از ۱۰ سال تغییر داد چرا که همدستش در قتل دوم حالا از قضات عالی رتبه جنایی تهران درخواست کمک کرد. بامداد نهم اردیبهشت سال ۸۸ زن و مرد میان سالی که از تبریز به تهران آمده بودند به پلیس آگاهی

تحلیل کارشناس

فرار دختران از خانه



دکتر رضا احمدی روان شناس و استاد دانشگاه برخی دختران در شرایط سخت خانواده و به دلیل فشارهای روانی که از سوی

اعضای خانواده مانند پدر و برادر تحمل می کند ممکن است تنها راجعات از مشکلات خانوادگی را فرار از خانه تصور کنند در حالی که آن ها نمی دانند در بیرون از محیط خانه چه آسیب های هولناکی تهدیدشان می کند. اغلب این دختران به سوی اعتیاد روی می آورند تا شرایط سخت زندگی بیرون از خانه را تاب بیاورند. دختران فراری چون آسیب پذیری روحی شان بالاست و درگیر اختلالات روانی هستند به راحتی تن به هر کاری می دهند و حتی مرتکب دزدی و سرقت و جرایم خرد و کلان می شوند. دخترانی که به سادگی اقدام به فرار از خانه می کنند ممکن است درگیر اختلالاتی چون افسردگی، دو قطبی و... باشند که با مصرف مواد مخدر مشکلات شان حادث تر می شود. فحشا سنگین ترین آسیبی است که این دختران را تهدید می کند و برای امرار معاش و تامین هزینه های شان مجبور هستند مرتکب هر عمل غیر اخلاقی شوند. زندگی در خیابان و خانه های تیمی فساد سبب می شود فعالیت های مجرمانه را گسترش دهند و چاره ای جز قانون ندارند. متخصصان سلامت روان درخصوص فرار دختران از خانه علل مختلفی را ذکر می کنند. طبق نظر کارشناسان، بسیاری از افرادی که دست به فرار از خانه می زنند به اختلال شخصیت مرزی مبتلا هستند و فشار از سوی اعضای خانواده و محدودیت ها بستری را فراهم می کند تا زود تر مرتکب این عمل غیر اخلاقی شوند. این اختلالات معمولاً منجر به رفتارهای تکانشی و نسنجیده از سوی این دختران می شود. البته در این میان مشکلات خانوادگی نقش اصلی را دارد در بسیاری از موارد، افراد به دلیل مشکلات و تعارضات خانوادگی و نبود روابط عاطفی مناسب میان اعضا دست به چنین کاری می زنند. خروج نوجوانان و جوانان از خانه و ترک خانواده، بدون اجازه والدین در واقع نوعی واکنش به شرایطی است که از نظر فرد نامساعد، غیر قابل تحمل و تغییرناپذیر است. این عمل به عنوان یک سازوکار دفاعی به منظور کاهش ناملایمات زندگی و خلاصی از محرک های آزاردهنده و مضر و دستیابی به خواسته های مد نظر و عموماً آرزوهای دور و دراز به کار گرفته می شود. اما آمارها و شواهد نشان می دهد که پس از فرار نه تنها مشکلات دختران کاهش نمی یابد بلکه فرد وار دیک چرخه آسیب زای اجتماعی می شود که پیامدهای منفی زیادی را برای او و جامعه اش در پی دارد.

چطور به فکر دزدی افتادی؟

محمد بیکار بود و درآمدی نداشتیم به همین دلیل وقتی یکی از دوستانش که او هم بعدا هم خانه ما شد پیشنهاد سرقت داد پذیرفتم تا با او همدست شویم و شب ها در تاریکی هوا به سراغ خودروها می رفتیم و لوازم داخل شان را سرقت می کردیم.

فکر می کردی دستگیر شوی؟

نه، البته برای من مهم نبود چون هر جایی رفتم بهتر از خانه بود و می توانستم راحت زندگی کنم.

ارزش داشت؟

نه، ولی خانواده ام باعث شدند تا مسیر زندگی ام را تغییر دهم.

چقدر پول به دست آوردی؟

زیاد نبود، هر چه در می آوردیم برای زندگی و اجاره خانه هزینه می کردیم.

اعتیاد پیدا کردی؟

نه، در این مدت که از خانه فراری بودم هیچ وقت حریم هایی را که خانواده ام برای من تعیین کرده بودند نشکستم.

بعد از دستگیری خانواده ات چه کردند؟

برادرم مرا به یاد کتک گرفت که با وساطت مادرم در این مدت کمتر به من کار داشتند اما محدودیت ها همچنان پا بر جاست ولی جایی برای فرار ندارم و می خواهم به زندان بروم تا از زندان خانم ها شوم.

۱۰ سال بعد در دادگاه

محمد پس از این که همدستش ایمان اعدام شده بود مدت ۱۰ سال در زندان مانده بود، در دادگاه گفت: وقتی بازداشت شدم ۲۳ ساله بودم اما حالا ۳۳ سال دارم. در این مدت و با پرداخت ۳۰ میلیون تومان به مادر مجید توانستم رضایت او را جلب کنم

پرداخت آسان • برای مدت محدود • با شرایط ویژه

مجتمع بزرگ تجاری

کوروש

با کلیه امکانات آب، برق و انشعاب گاز مستقل

واگذاری تعداد محدود مغازه تجاری و دفتر کار تجاری

ساعت تماس ۱۰ صبح الی ۱۶ بعد از ظهر

کوی قائم، حفاصل شهید ریاضی ۵۱ و ۵۷ تماس: ۰۷۶-۳۳۸۷۰

KOOROSH
Commercial Complex

فروش ویژه